

حج ابراهیمی یا سازمانی؟

تشریح برخی از اسرار معنوی حج
و کاستی‌هایی که سازمان حج و
زیارت در کارنامه‌ی خود دارد

حضرت آیت الله محمد رضا نگوینام
(مد ظله)

حج؛ ابراهیمی یا سازمانی؟

(مد ظله العالی)

♦ حضرت آیت الله محمدرضا نگو نام

سرشناسه: نگو نام، محمدرضا، ۱۳۲۷ -
عنوان و نام پدیدآور: حج؛ ابراهیمی یا سازمانی: تشریح برخی
از اسرار معنوی حج و کاستی‌هایی که سازمان حج و زیارت در
کارنامه‌ی خود دارد / محمدرضا نگو نام.
مشخصات نشر: اسلام‌شهر: انتشارات صبح فردا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.
شابک: ۹۵ - ۴ - ۶۴۳۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
عنوان دیگر: تشریح برخی از اسرار معنوی حج و کاستی‌هایی
که سازمان حج و زیارت در کارنامه‌ی خود دارد.
موضوع: نگو نام، محمدرضا، ۱۳۲۷ - - مصاحبه‌ها
موضوع: حج
شناسه‌ی افزوده: سازمان حج و زیارت
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱۸/۱۸۸ ج ۳ ۷۶۷
رده‌بندی دیویی: ۳۵۷/۲۹۷
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۲۹۹۹۶۲۹

ناشر: صبح فردا محل چاپ: نقش گستر
نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: ۱۳۹۲
شمارگان: ۳۰۰۰ قیمت: ۲۰۰۰ ریال
تهران - اسلام‌شهر - نسیم‌شهر - و جیه‌ایا
دوازدهمتری جواهرزاده - پلاک ۲۴
کدپستی: ۳۷۶۹۱۳۸۵۷۵
تلفن مرکز پخش: ۱۵۷۸ ۲۵۳۲۹۰
www.nekoonam.com
www.nekounam.ir
ISBN: 978 - 600 - 6435 - 95 - 4



حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

۷	پیش‌گفتار
۱۷	اسرار حج و بایسته‌های سازمان مربوطه
۱۸	معنا و مفهوم حج
۲۲	حج زیارت
۲۴	ضیافت حج
۲۶	اسرار حج
۲۹	کاستی‌های سفر حج
۳۲	مقام جمعی حج
۳۶	موقعیت ویژه‌ی مکه
۳۶	سفیران حج
۴۱	سیاست‌گذاری برای حج
۴۴	بحران‌های غیر منتظره
۴۵	پرسش‌های بی‌پاسخ



پیش گفتار

حج محشر است نه جنجال. حج قیامت است نه غوغا. حج غیبت از خود است به شهود. حج شهود غیب و ظهور تمامی قامت غیب‌ها، سترها و پنهانی‌هاست. ابتدای آن احرام و پای‌بندی به ترک محرمات است و کفاره، و با تلبیه و حتی ترک از محرمات شروع می‌شود. باید از هر چیز خوب بیگانه گردید و بوی خوش، آئینه، زن و زندگی را کنار گذارد. خداوند در حج می‌خواهد تمامی راه‌های دنیا را بر روی بنده‌ی خود ببندد تا بلکه خود را بیابد؛ ولی سخن این جاست که احرام بستن با لنگ و قطیفه بستن در حمام چه تفاوتی دارد؟ تفاوت این دو کدام است؟ چرا کشیدن دندان آن قدر عذاب دارد؛ ولی کشیدن تمامی دنیا و مظاهر آن دردی را به همراه ندارد؟ آیا این کشیدن، کشیدن مفهومی است یا حقیقی؟ مُحرم از غیر

بیگانه می‌شود، آیا ما نیز این بیگانگی را می‌یابیم؟ گذشت از یک ریال و بیش‌تر از یک ریال توجه می‌خواهد. آیا این گذشت توجه می‌آورد و توجه لازم دارد؟ میقات حقیقی با حمام چه تفاوتی دارد؟ «لبیک» می‌گوییم، «بلی» سر می‌دهیم از چه به چه؟ آیا تنها واژه است یا معنا هم در کار است؟ معنا به این آسانی نیست. این «بلی» فقط واژه است؛ زیرا باری به همراه ندارد و سنگین نیست. یک لبیک از عمق جان، جان را می‌کاهد؛ ولی این همه لبیک، به جان آسیبی نمی‌رساند؛ چون به جان نمی‌رسد.

آیا روشن است طواف چیست؟ گرد سنگ گردیدن چه معنایی دارد و چه تفاوتی با کفر و ایمان بت‌پرستان و طواف آنان دارد؟ این عمل چه نقشی را ایفا می‌کند؟ به گرد سنگی چرخیدن، شکست انسان و شکستن اوست. آیا این عمل، ناچاری آدمی است! چه سخن‌ها می‌شود از اسرار حج گفت که در جایی گفته نشده است.

«حج»، آرمان و آزمون بزرگ الهی و زمینه‌ساز تحول معنوی و تحرک باطنی و وسیله‌ی سیر و سلوک حج‌گزاران به سوی خداوند متعال است. حج، افزوده بر آثار معنوی و جاذبه‌های روحی، دارای منافع

اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز می‌باشد.
اسلام این گردهمایی بزرگ مسلمانان را با داشتن
ملیت‌های گوناگون در مراسم حج واجب کرده است تا
آنان یک‌دیگر را بشناسند و هریک از ارتباط با دیگری
استفاده کنند و مشکلات جهان اسلام را شناسایی کنند
و در برطرف کردن آن بکوشند و با یکپارچگی خود
زمینه‌های رشد و ترقی کشورهای مسلمان را فراهم
آورند و بر آگاهی‌های خود بیفزایند.

حج از عبادت‌هاست و عبادت برای آن‌که عبودیتی
ربانی باشد باید از بدعت‌های نفسانی و نیز از
خواسته‌های شیطانی به‌دور باشد. این دو امر باید در
عبادت رعایت شود تا عبادت، عبادت باشد. نسخه‌ی
عبادت و دستور آن باید از جانب شارع مقدس باشد و
از بدعت‌ها و ساخته‌های خلقی یا سازمانی دور باشد.
عبادت افزون بر آن باید با روح زندگی و حیات فردی
و اجتماعی هم‌دوش و همراه باشد، مانند همین حج.
خلوت‌های شیطانی و چله‌های آلوده به خمودگی و
رکود، هویت کمالی فرد را از بین می‌برد و چیزی جز
انحراف برای او بر جای نمی‌گذارد. تفریط، فردگرایی
و خمودی و انزواست و افراط، نماز را سرود و
وحدت را وحشت، حج را رژه و سان و روزه را

اعتصاب غذا می‌داند، در حالی که نماز، هرچند سرود است، سرود عشق است، نه سرود غوغا و وحدت؛ وحدت خدایی است، نه تزویر و خیانت، و حج؛ رژه و سان است در مقابل شر، زیاده‌روی، گناه و طغیان، نه تنها حرکات هماهنگ. وصول به حق آدابی دارد و آداب آن همان است که در متن خالص قرآن کریم و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام آمده است که همان راه بندگی و عبودیت ربانی است.

ما در حج، طواف را داریم که حصول انقیاد و دفع هرگونه زمینه‌ی شرک و کفر است. در طواف، کسی که عاقل است به گرد سنگی که عاقل نیست می‌چرخد و این به عبودیت و بندگی بسیار نیاز دارد و همین امر انقیاد و شکستگی می‌آورد. اما دوری از شرک و بت‌پرستی بیش‌تر مسلمانان با پادشاه طواف بر گرد سنگ‌هایی مادی و جسمانی است که شکل می‌گیرد و گرنه مشخص نبود توده‌ی مسلمانان چه مقدار به توحید روی می‌آوردند و به بت‌ها پشت می‌نمودند.

متأسفانه حج نیز از آفت افراط و تفریط و ساخته‌های ذهنی آدمی مصون نمانده است. برخی در عبادت راه افراط را می‌پیمایند و هسته‌ی وجودی خود را با عبادت فراوان ضایع می‌کنند. برخی از روحانیان



کاروان‌ها را دیده‌ام که می‌گویند ماسی باریا بیش تر به حج رفته‌ایم. گویا وسعت وجودی این فرد بیش از آقا رسول الله ﷺ است که بیش از آن حضرت به حج رفته است!

عبادت برای روح آدمی بسان کود برای زراعت و کشت است. اگر کود شیمیایی فراوانی به یک گیاه داده شود آن را بی‌درنگ خشک می‌کند و ریشه‌ی آن را می‌خشکاند. اگر به گیاهی نیز کود داده نشود، ضعیف و نابود می‌شود. عبادت برای روح و روان آدمی چنین خاصیتی را دارد. باید بیش از آن که عبادت کرد به عبادت و آثار آن معرفت داشت. عبادت برای روح همانند دارو برای بدن می‌ماند و شناخت بیماری پیش از تجویز داروست.

شخصی می‌گفت: فردی عصبی هستم، شده است که خانمم را با کمر بند زده‌ام و به او فحاشی کرده‌ام؛ در عین حال بسیار عبادت می‌کنم و حتی می‌توانم نماز شب بخوانم، زیارت عاشورا و دعای توسل و دعای کمیل و نیز نافله‌هایم ترک نمی‌شود. بسیاری از اذکار را نیز می‌گویم؛ اما نمی‌دانم چرا عصبی هستم و قدرت کنترل خود را ندارم. به او گفتم سخن مرا گوش نمی‌دهی، وگرنه علت آن را می‌گفتم. او اصرار کرد و

گفت آمده‌ام تا مشکل خود را حل کنم. به او گفتم: تمامی مستحباتی که گفتی را ترک کن و فقط هفده رکعت نماز، آن را هم با سرعت بخوان. اگر خواستی نمازهای خود را به جماعت بگزاری، نماز جماعت را بخوان و مسجد را زود ترک کن و پای منبر کسی ننشین. این عبادت‌ها برای تو که نفسی ضعیف داری هم چون کود زیادی است و اثر عکس دارد و باعث پوسیدگی روح و روان تو شده است.

تفریط و کوتاهی در عبادت نیز نتیجه، آثار و عوارض بدی بر نفس دارد. برای نمونه، برخی از این‌که ذکر ندارند دچار عصبانیت، تشویش و اضطراب می‌شوند. افرادی که عبادت ندارند هم عصبی می‌شوند و هم بیماری‌های روانی بسیاری دچار می‌گردند. آنان اگر دین‌مداری و کمی اذکار و ادعیه را وارد زندگی خود کنند چنین مشکلاتی ندارند. البته، آنان باید ذکر و ادعیه‌ی مناسب خود را از عالمی دینی فرا بگیرند که به آثار و عوارض اذکار و مراتب روح و نفس و این‌که فرد در چه مرتبه‌ای از آن قرار دارد آگاه باشند، وگرنه اذکار حکم دارو را دارد و تجویز آن باید به دست فردی کاردان باشد.

افراط و تفریط در هر امری حتی عبادت، نکوهیده



است. کسی که زیاد نماز می‌خواند و فراوان به حج می‌رود، دچار تشنج می‌شود و کارهای روزمره‌ی زندگی او تعطیل می‌شود، چنین نماز افراطی مضر است مثل زعفران که خوردن زیاد آن انسان را حتی به مرز جنون و مرگ می‌کشاند. همان‌گونه که بی‌نمازی آسیب‌های روانی بسیاری را در پی دارد.

افراط و تفریط نمودی دیگر نیز دارد. برخی در عبادت قشری‌گرا شده‌اند و باطن‌گرایی را محکوم و باطن‌گرایان را تکفیر می‌کنند و برخی چنان به باطن روی می‌آورند که از ظاهر و آموزه‌های شریعت دور می‌افتند. این متن خالص قرآن کریم و روایات چهارده معصوم علیهم‌السلام است که به دور از افراط و تفریط، میان شریعت و طریقت جمع نموده‌اند و حقیقت را نشان داده‌اند. آن حضرات علیهم‌السلام نه تمام حقیقت را در رجوع به باطن دیده‌اند و از استفاده از حقایق ظاهری دور افتاده‌اند و نه قشری‌گرا و جمودگرا گردیده‌اند تا تنها به ظاهر دین بسنده کرده باشند و حقیقت تجردی روح آدمی و کمالات بلند آن را نادیده انگاشته باشند. دین هم در ظاهر حقیقت دارد و هم در باطن. اگر انسان حقایق ظاهری دین را رها کند، به حقیقت باطنی دین نمی‌رسد؛ چرا که مسیر باطن دین از حقایق ظاهری آن

می‌گذرد. متن قرآن کریم و مجموع احادیث اهل بیت علیهم‌السلام گواه بر این مدعاست.

در فقه‌پژوهی کنونی فقیهان تنها ظاهر دین را مورد کاوش قرار می‌دهند و آموزه‌های اخلاقی و عرفانی دین که در استنباط حکم فقهی می‌تواند تأثیرگذار باشد را نادیده می‌انگارند. از روایات عرفانی و ادعیه‌ای که محتوای بالایی دارد و از اسرار معنوی حج و دیگر عبادات، در هیچ حوزه‌ی درسی فقهی سخنی به میان نمی‌آید. این‌گونه است که نزاع میان صوفیان یک سویه‌نگر و فقیهان تک بعدی‌نگر ایجاد می‌شود.

این در حالی است که باطن حقیقی بدون دریافت ظاهر حقیقی قابل دست‌یابی نیست. صوفی باید صافی شود و ظاهر فقه را نادیده نگیرد و آن را از مجتهد عادل فرا گیرد و خود را از سالوس دور دارد، مجتهد نیز باید تنها بر ظاهر دین بسنده ننماید و برای کمال خود از حقایق عرفانی و باطنی که در متن قرآن کریم و روایات حضرات چهارده معصوم علیهم‌السلام وجود دارد بهره برد تا مسیر عبودیت خود را به حقیقت و کمال نزدیک سازد و اعمال عبادی خود را کیفیت بخشد و آن را از ریا و تظاهر سالم نگاه دارد. کسی که به

اسرار معنوی حج و عبادات توجه ندارد، عبادت وی
کمال نمی‌یابد و ژرفایی برای آن نمی‌بیند.

کتاب حاضر حاصل مصاحبه‌ی برخی از مسؤولان
سازمان حج و زیارت است که در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۸
انجام گرفته است.

در این مصاحبه هم از برخی اسرار معنوی حج
گفته‌ایم و هم بعضی کاستی‌هایی که به سازمان متولی
این امر مهم اسلامی وارد است را خاطر نشان شده‌ایم تا
تفاوت میان حج ابراهیمی که حجبی واقعی است با حج
سازمانی و تشریفاتی نمایان گردد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین